

امنیت خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران

دکتر علی رحیم پور^۱

دکترای جغرافیای سیاسی و عضو هیأت علمی پژوهشکده گردشگری

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۸/۲۵

چکیده

تردیدی نیست که حوزه خلیج فارس به لحاظ دارا بودن ارزش‌های ویژه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی، همواره بعنوان کانون رقابت قدرت‌های بزرگ در صحنه بین‌المللی مطرح خواهد بود و هرگاه تنش یا تعارضی در منطقه شکل بگیرد که منجر به ایجاد بحران و ناامنی شود، با عکس‌العمل جدی کشورهای که منافع اقتصادی و سیاسی شان به منابع انرژی و صدور آن وابسته است مواجه می‌شود. لذا برقراری امنیت و ثبات و تداوم آن در حوزه خلیج فارس از مهمترین اولویت‌های منظومه‌های قدرت در قرن بیست و یکم خواهد بود. حال اگر کشورهای منطقه قادر باشند با تفاهم و همکاری زمینه‌های برقراری امنیت و ثبات را با مشارکت جدی همه اعضا در منطقه فراهم نمایند، قطعاً بیشترین بهره را خواهند برد و در دهه‌های آتی با توجه به امکانات و منابعی که در اختیار دارند در جهت افزایش منافع ملی و اقتدار بین‌المللی خود حرکت خواهند کرد. به‌رحال بقا و رونق اقتصادی کشورهای صنعتی دنیا وابسته به تولید و عرضه نفت و گاز خواهد بود و چون بیش از ۷۰ درصد این منابع در خلیج فارس متمرکز شده است، کشورهای بزرگ و در رأس آن ایالات متحده تا زمانی که این منابع حیاتی در منطقه وجود دارد از آن چشم‌پوشی نخواهند کرد. این موضوع کاملاً واضح است که اگر کشورهای منطقه نتوانند امنیت لازم را برای تولید و صدور منابع انرژی خلیج فارس فراهم نمایند، قطعاً امنیت از خارج از منطقه به آنها تحمیل شده و این امر به بهای از دست رفتن منافع ملی شان تمام خواهد شد. لشکرکشی‌های ایالات متحده و متحدین غربی‌اش از اوایل دهه ۱۹۹۰ در خلیج فارس در همین راستا قابل توجیه است. محقق در این پژوهش تلاش دارد تا پاسخی جامع برای این سؤال که آیا کشورهای منطقه حوزه خلیج فارس با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی و سیاسی خود قادرند به درجه‌ای از فهم و درک مشترک در راستای کمک به امنیت جهانی و حفظ ثبات و آرامش در خلیج فارس بدون اتکاء به قدرت‌های برون منطقه‌ای دست یابند یا خیر؟، پیدا کنند. بررسی و تحلیل وضع موجود، ضمن تبیین جایگاه استراتژیک ایران، بررسی سناریوها و راهکارهای توسعه همکاری منطقه‌ای در بین کشورهای حوزه خلیج فارس از منظر اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، گردشگری، سیاسی و نظامی و تحلیل موضوع از نظر تئوریک جهت کاهش تنش‌ها با توجه به نیاز جهانی به امنیت خلیج فارس از دیگر اهداف این پژوهش است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، جایگاه استراتژیک، ژئوپولیتیک، امنیت

مقدمه

امنیت خلیج فارس امروزه یک چالش بزرگ استراتژیک برای اقتصاد جهانی است. وابستگی و اتکاء به نفت منطقه در هزاره سوم میلادی بشدت افزایش خواهد یافت. نیاز آسیا به نفت خلیج فارس بیشتر خواهد شد، کاهش حمایت بین‌المللی از حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در منطقه، ظهور منطقه خزر به‌عنوان یک حوزه نفتی رقابت آمیز ژئوپولیتیک برای تأمین منابع انرژی مصرفی، عراق و ایران، حضور فعال اتحادیه اروپا و گسترش این بازار به سوی شرق، شدت یافتن دیپلماسی نفت ژاپن در منطقه، از جمله مواردی است که می‌تواند امنیت حوزه خلیج فارس را به خطر اندازد. رشد تحرکات ناسیونالیستی و افزایش جنبش‌های انقلابی در کشورهای خلیج فارس، در آینده‌ای نه چندان دور، حضور نیروهای ایالات متحده را نخواهد پذیرفت. مخالفت دائمی ایران با حضور نیروهای بیگانه در منطقه و تلاش این کشور برای عبور دادن لوله‌های نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز و مخالفت شدید ایالات متحده با این موضوع از جمله مسائلی است که باعث اصطکاک منافع بین کشورهای منطقه و قدرت‌های خارجی بر سر مالکیت و منافع، تولید و استخراج و صدور نفت و گاز خواهد شد. هم‌اکنون کشورهای قدرتمند حوزه خلیج فارس به این نتیجه رسیده‌اند که به جای رقابت ناسالم با یکدیگر، به تفاهم و گفتگو پرداخته و از این طریق اهداف و منافع ملی و سیاسی خود را دنبال کنند. در بین کشورهای منطقه، سه کشور ایران، عراق و عربستان سعودی نقش کلیدی در تأمین امنیت خلیج فارس دارند، حل اختلافات سلیقه‌ای موجود و حرکت به سوی اعتمادسازی بیشتر بر اساس حفظ منافع منطقه‌ای و محترم شمردن مرزهای سیاسی، بین سه کشور می‌تواند گام مهمی در جهت این امر باشد. با توجه به موقعیت استثنایی ایران، چه از نظر طبیعی و چه از نظر انسانی و همچنین وابستگی رونق و توسعه اقتصادی کشورهای شمال خاورمیانه و حوزه خزر به موقعیت ارتباطی و ترانزیتی ایران، قطعاً جایگاه ژئوپولیتیکی این کشور با هیچ‌کدام از کشورهای منطقه قابل مقایسه نخواهد بود. از طرفی به دلیل مخاصمه طولانی مدت ایالات متحده با ایران و عدم پیشرفت جدی در جهت کاهش تنش‌ها میان دو کشور و قرار گرفتن «امنیت و نفت» در صدر فهرست «منافع ملی ایالات متحده»، هر روز برای تحت فشار گذاشتن ایران، اعلام وضعیت جدیدی چه در دنیا و چه در اطراف مرزهای سیاسی ایران توسط آمریکا ایجاد شود. با این اوصاف باز بودن پرونده ایران بر روی میزهای تصمیم‌گیری در محافل مختلف سیاسی و امنیتی و اقتصادی ایالات متحده و وابستگان به منابع نفت و گاز منطقه همچنان ادامه خواهد داشت و بهانه‌جویی‌های هسته‌ای، حقوق بشر، حمایت از تروریست‌های طالبان و القاعده در عراق و افغانستان، بردن پرونده هسته‌ای به شورای امنیت و ادامه تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، ابزاری برای مهار ایران در جهت تبعیت از سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ایالات متحده قلمداد می‌گردد. حضور ایالات متحده در خلیج فارس و تنگ‌تر کردن هرچه بیشتر حلقه محاصره ج.ا.ایران نیز در راستای تسلط ایالات متحده بر منابع نفت و گاز منطقه ژئوپولیتیکی خلیج فارس و خزر و مقابله آتی این کشور با نیاز روز افزون جهانی به نفت و گاز منطقه بویژه چین و هند و مهار پیشرفت اروپای غربی و ژاپن برای حاکمیت اقتصادی تک قطبی خود توجیه می‌شود.

طرح مسأله

ایران محور خاورمیانه است و فاقد جایگزین، موقعیت ممتاز جغرافیایی این کشور توانسته است تمامی ویژگی‌های ژئوپولیتیکی^۲ و ژئواستراتژیکی^۳ را، یکجا در خود جمع کرده و از این جهت نقش محوری و کلیدی در ارتباط با تحولات بین‌المللی داشته باشد. موقعیت کلیدی ایران ناشی از جایگاه محوری است که در منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک^۴ خاورمیانه دارد.

با توجه به تغییر و تحولات ژئواستراتژیکی آینده و دگرگون شدن قابلیت‌ها و استراتژی‌های نظامی و جایگزین شدن اقتصاد و تولید ناخالص ملی بعنوان معیار تعیین قدرت در روند تحولات بین‌المللی قرن بیست و یکم و محوریت یافتن پدیده ژئواکونومیک و نیاز روزافزون جهان به منابع انرژی، اهمیت خاورمیانه بویژه ایران را که هم از موقعیت جغرافیایی استثنایی برخوردار است و هم بین دو منبع عظیم نفت و گاز جهان قرار دارد، دو چندان نموده است، از طرفی ژئوپولیتیسین‌ها و علمای جغرافیایی سیاسی معتقدند که قدرت برتر جهان آینده از آن کسی است که بتواند بر روی حوزه‌های تولید، عرضه توزیع و مصرف نفت و گاز جهان نظارت داشته باشد. بر همین اساس ایران در مرکز و قلب مثلث ژئواستراتژیک جهان قرار دارد و با کنترل این کشور به راحتی می‌توان بر جهان اعمال نفوذ و اعمال قدرت نمود. لذا ایالات متحده آمریکا در عصر حاضر محور سیاست خارجی و اساس منافع ملی استراتژیک خود را بر کنترل این منطقه و منابع موجود در آن گذاشته است و این امکان وجود دارد تا به منظور تسلط و تصاحب حوزه خلیج فارس و خزر تقابلی بین روسیه، اروپای متحد و این کشور در آینده صورت پذیرد. در این تحولات قطعاً ایران جایگاه بین‌المللی غیرقابل انکاری در تدوین استراتژی‌های بین‌المللی قدرت‌های بزرگ و منظومه‌های ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک جهان خواهد داشت. با استناد به این اصل که امروزه اساس استراتژی‌ها بر محور جغرافیا استوار است و موقعیت جغرافیایی ایران زمینه اعمال نفوذ در جبهه‌های استراتژیک را سهل‌تر نموده و امکانات و منابع موجود در منطقه باعث آسیب‌پذیری، فریب، اشغال و گاهی زیرسلطه قدرت‌های بزرگ رفتن را به دنبال دارد، که گذشته پر تلاطم این کشور حکایت از این واقعیت را می‌دهد که ایران به نوعی قربانی موقعیت استثنایی خود بوده و متأسفانه تاکنون نتوانسته است از موقعیت و امکانات خود به سود منافع ملی گام بردارد. لذا استفاده از علم جغرافیای استراتژیک به منظور درک واقعیت‌های موجود جهان، شناخت امکانات، ظرفیت‌ها و تهدیدات در تحولات قرن بیست و یکم و رسیدن به استراتژی ژئوپولیتیک (تدوین استراتژی ملی) و ارائه بهترین راهکارها برای رسیدن به توسعه پایدار و تأمین امنیت حوزه خلیج فارس از مهمترین اصول مورد نظر این پژوهش است (عزتی، ۱۳۸۰، صص ۱۱۳-۱۰۶).

حال با توجه به امکانات موجود، اگر ایران نتواند از موقعیت ممتاز جغرافیایی خود و همچنین فرصت بدست آمده در جهت حفظ و ارتقاء منافع ملی و کسب جایگاه بین‌المللی خود بهره جوید، قطعاً دچار مشکل و اشتباه غیر قابل جبرانی شده که حاصل آن چیزی جز قربانی شدن منافع و حیات ملی این کشور در بازی قدرت‌های بزرگ بر سر تصاحب نفت و گاز حوزه خزر و خلیج فارس، نخواهد بود. عدم درک واقعیت‌ها و منافع استراتژیک ایران باعث

^۲- Geoplitic

^۳- Geostrategy

^۴- Geoeconomic

به حاشیه رانده شدن کشور از معادلات منطقه‌ای و جهانی و حذف این کشور از صحنه اقتصاد و سیاست بین‌المللی در منطقه و جهان خواهد شد.

مبانی نظری تحقیق

مروری بر گفته‌های رهبران سیاسی، نظریه‌پردازان و تئورسین‌های قرن بیستم در خصوص جایگاه و امنیت خلیج فارس و همچنین اهمیت نفت و روند صدور آن به جهان، ذهن ما را هر چه بیشتر متوجه اهمیت منابع فسیلی نفت و گاز حوزه خلیج فارس و منطقه خواهد کرد.

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۷ در جریان جنگ نفتکش‌ها اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس اهمیت زیادی می‌دهد. ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود، بلکه قوی‌ترین قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها هم اگر مثل آمریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی و خبری خود و هم‌پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند». (صحیفه نور، ۱۳۶۷، ص ۱۲۱).

ریچارد نیکسون رئیس جمهور سابق ایالات متحده: «خاورمیانه از دیر باز چهار راه آسیا، آفریقا و اروپا بوده است. اکنون نفت خون صنعت مدرن است و در منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می‌اندازد و راه‌های دریایی پیرامون خلیج فارس شریان‌هایی هستند که این خون حیاتی از آن می‌گذرد».

کلمانسو نخست وزیر فرانسه در زمان جنگ جهانی اول اعلام کرد: «ارزش یک قطره نفت مساوی با ارزش یک قطره خون است و در همین رابطه مارشال فوش فرمانده معروف فرانسوی به فرماندهان تحت امر خود گفت که ما بایستی نفت داشته باشیم وگرنه جنگ را خواهیم باخت». (حافظ نیا، ۱۳۷۱، ص ۹۳).

گراهام فولر کارشناس ارشد سیاسی در کتاب قبله عالم می‌نویسد: «تردید وجود ندارد که اصطلاح خلیج فارس نام قدیمی، ریشه دار و پذیرفته شده این منطقه آبی است و خاطره تاریخی ایرانیان را متقاعد کرده است که خلیج فارس ماهیتی حقیقتاً ایرانی دارد».

ایران اساساً قدرت برتر خلیج فارس است. هیچ کشور دیگری در خلیج فارس نمی‌تواند به لحاظ استمرار منافع تاریخی، ادعای مشابهی را پیش بکشد» (گراهام فولر، ۱۳۷۳، ص ۶۷).

دیوید نیوسام معاون سیاسی اسبق وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد: «اگر جهان دایره‌ای باشد که بخواهیم مرکز آن را بیابیم، به خوبی می‌توان توجیه کرد که این منطقه، خلیج فارس است» (روزنامه رسالت، ۱۳۶۹/۵/۸).

سران هفت کشور صنعتی جهان در سال ۱۹۸۹ اعلام کردند: «تا پنجاه سال آینده خلیج فارس عمق استراتژیک غرب محسوب شده و برای تأمین امنیت آن بایستی به طور جدی برنامه‌ریزی شود» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۱۳).

جیمی کارتر رئیس جمهور سابق ایالات متحده در سال ۱۹۸۰ اعلام کرد: «هراقدامی از سوی هر قدرت خارجی برای دستیابی و کنترل منطقه خلیج فارس به عنوان حمله به منافع حیاتی آمریکا به شمار آمده و چنین حمله‌ای با هر وسیله لازمی، از جمله نیروهای نظامی دفع خواهد شد» (Thomas, 1990, p13).

جیمی کارتر در جهت تحقق اهداف استراتژیک ایالات متحده در حوزه خلیج فارس و تأمین امنیت صدور نفت در ژانویه ۱۹۸۳ دستور تشکیل نیروهای واکنش سریع را صادر می‌کند نیروی واکنش سریع به تعداد ۳۰۰/۰۰۰ نفر به عنوان یک سازمان عملیاتی چند مأموریتی مستقل که حوزه عمل آن از مصر تا پاکستان امتداد داشت و مرکز آن خلیج فارس بود، زیر نظر فرماندهی منطقه مرکزی ایالات متحده تشکیل گردید.

ریگان رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده در سال ۱۹۸۱ گفت: «اهداف ما در خلیج فارس، دسترسی به نفت و حفاظت از خطوط کشتیرانی به نقاط کلیدی و کشورهای منطقه است که در پروژه‌های نظامی آمریکا قرار دارند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۸/۲۰).

دیک چنی وزیر جنگ ایالات متحده آمریکا در هنگام حمله عراق به کویت در یک اظهار نظر عجیب اعلام کرد: «برای ما خانواده آل صبا (حاکم کویت) مطرح نیست، ما نفت را می‌خواهیم» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۶/۱۳). جرج بوش پدر رئیس‌جمهور سابق آمریکا در توجیه حضور نظامیان این کشور در منطقه خطاب به اعضای کنگره آمریکا گفت: «خاورمیانه نمونه روشن از منطقه‌ای که حتی اگر تشنجات شرق و غرب در آن فروکش کند، نگرش‌های استراتژیکی آمریکا همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. منافع ما از جمله امنیت اسرائیل، امنیت کشورهای میانه روی عربی و همچنین خروج آزادانه نفت از منطقه، از سوی منابع گوناگون مورد تهدید است. از این رو ما به حضور نظامی خود در منطقه شرق مدیترانه، خلیج فارس و اقیانوس هند همچنان ادامه خواهیم داد. دولت من همانند شیوه کار سایر روسای جمهور آمریکا پرزیدنت روزولت تا پرزیدنت ریگان، خود را به امنیت و ثبات خلیج فارس متعهد می‌داند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹/۵/۲۲).

پروفسور مک لاکلان استاد جغرافیای دانشگاه لندن در سال ۱۹۸۸ طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: «مهمترین هدف آمریکا از حضور این نیروها در خلیج فارس، اعمال فشار علیه ایران و انقلاب اسلامی در چهارچوب استراتژی کلی این کشور است. آمریکا حاضر نیست موقعیت بسیار خوبی را که با حضور نیروهایش در منطقه به دعوت کشورهای عرب و خلیج فارس به دست آورده، از دست بدهد. موقعیتی که حتی انگلیس نیز در دو قرن گذشته نداشته است» (روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۹/۲).

هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور سابق ایران در سال ۱۹۹۱ اعلام کرد: «ایرانیان معتقدند که مسائل منطقه بایستی در منطقه و به وسیله کشورهای منطقه حل شود. هر پیشنهادی که از خارج از منطقه تحمیل شود، محکوم به شکست است».

نابو آسایی وزیر سابق انرژی ژاپن گفت: «تحصیل منافع اقتصادی ژاپن، درگرو حفظ امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس است و ژاپن به ویژه در قرن ۲۱ که منابع نفتی غیر اوپک به پایان می‌رسد، نیاز شدیدتری به نفت خلیج فارس خواهد داشت، در نتیجه ثبات سیاسی و ادامه جریان سالم نفت به سوی ژاپن برای آن کشور در اولویت اصلی است» (نابو آسایی، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

سیمون هندرسون^۱ از کارشناسان موسسه واشنگتن برای مطالعه سیاستهای خاور نزدیک در مقاله خود با عنوان «ایران، نفت و غرب» می‌نویسد: «هرگونه ماجراجویی نظامی در خلیج فارس، مادامی که ۴۰ درصد نفت مورد نیاز جهان از تنگه هرمز می‌گذرد و مسیر جایگزینی برای انتقال نفت منطقه به بازارهای بین‌المللی وجود ندارد، تنها منجر به خطر افتادن امنیت انرژی در جهان و سر به فلک کشیدن قیمت‌ها می‌شود».

مایکل کلارک^۲ رییس موسسه رویال یونایتد سرویس (RUSI)^۳ در خصوص عواقب درگیری نظامی در تنگه هرمز می‌گوید: «در صورت ایجاد تنش در تنگه هرمز، ایران این تنگه را مسدود نخواهد کرد ولی ناامن کردن این تنگه بسیار بدتر از بستن آن است چون تانکرهای بزرگ نفتی دیگر امنیت لازم برای عبور از این آبراه، را نخواهد داشت» (Sean Rooney, 2006).

موسسه مطالعاتی چاتهام هوس^۴ در آخرین گزارش خود اعلام کرده: «نفت ۸۰ درصد از کل صادرات کشورهای حوزه خلیج فارس، ۹۰ درصد از درآمد ارزی و ۴۰ درصد از کل درآمد ملی این کشورها را تشکیل می‌دهد. ایالات متحده آمریکا هم‌اکنون به عنوان بزرگترین وارد کننده نفت در جهان است و پیش‌بینی می‌شود این کشور در سال ۲۰۲۵ میلادی ۵۱ درصد از نفت مورد نیاز خود را از کشورهای صادرکننده نفت در خلیج فارس تأمین کند. این در شرایطی است که ۲۴ میلیون بشکه از ۸۰ میلیون بشکه نفت مصرفی جهان از خلیج فارس و تنگه هرمز عبور داده می‌شود (www.Chatham house.org.uk).

با اندک تعمقی در گفته‌ها و نظرات مذکور به روشنی درمی‌یابیم که امنیت در خلیج فارس تا چه اندازه مهم و حیاتی بوده و برقراری و استمرار آن تا چه میزانی در تأمین امنیت و ثبات جهانی نقش دارد. با توجه به موقعیت، وسعت، جمعیت و توانمندیهای سیاسی، اقتصادی و قدرت مانور استراتژیک ج.ا.ایران در منطقه بایستی بپذیریم که «کلید امنیت» حوزه خلیج فارس در اختیار ایران است و جایگاه استراتژیک این کشور در منطقه از عمق و عقبه مستحکمی برخوردار است.

سوالات پژوهش

- ۱- نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در حفظ امنیت و آرامش حوزه خلیج فارس با توجه به توانمندیهای موجود چگونه تبیین می‌شود؟
- ۲- مهمترین راه کارها و سناریوهای موجود برای تأمین امنیت خلیج فارس توسط کشورهای منطقه در قرن بیست و یکم چه می‌باشد؟
- ۳- با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی کشورهای حوزه خلیج فارس و نیاز روز افزون دنیا به منابع حیاتی و استراتژیک نفت و گاز، مهمترین زمینه‌های همکاری منطقه‌ای در بین کشورهای همسایه چیست؟

1- Simon Henderson

2- Michael Clarke

3- RUSI : Royal united service institute

4- Chatham house

فرضیه

جهان غرب گرچه دو بحران انرژی را پشت سر گذاشته است و منطقه پر آشوب خلیج فارس را منبع مطمئنی برای تأمین نفت و گاز مورد نیاز خود نمی داند ولی منافع سیاسی و اقتصادی آنان برای کنترل شریانهای صادراتی ایجاب می‌کند تا با حضور جدی در منطقه ضمن حفظ امنیت جریان تولید و صدور نفت و تأمین نیازهای وارداتی خود، عرصه رقابت برای تولید و عرضه محصولات صنعتی را برای غولهای نوظهور و مصرف‌کننده بزرگ نفت و گاز خلیج فارس یعنی چین و هند تنگ کنند. هم اکنون دو کشور چین و هند به دلیل نزدیکی به منابع نفت و گاز حوزه خلیج فارس و نیاز روز افزون آنان به این منابع، باعث شده است تا شرایط رقابتی در حمل و نقل و تولید مصنوعات و مشتقات نفتی برای مدعیان صنعتی قرن بیستم بسیار سخت شود. در این وضعیت تأمین امنیت حوزه خلیج فارس و تضمین صادرات نفت و گاز منطقه به کشورهای صنعتی دنیا در صدر مسائل مهم ژئواستراتژیک جهان قرار دارد. حال در این شرایط محقق به دنبال تدوین، تحلیل و تبیین فرضیه خود به شرح زیر می باشد:

فرضیه اصلی

شکل گیری و اجرای پیمان امنیتی و توسعه همکاریها در بین هفت کشور حوزه خلیج فارس به همراه ایران برای تأمین امنیت منطقه و جریان صدور نفت، مناسبترین و کم هزینه ترین شکل مشارکت بدون دخالت نیروهای بیگانه است.

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق صورت گرفته در این پژوهش توسعه‌ای و کاربردی و روش مورد استفاده مقایسه‌ای، تحلیلی و توصیفی است که می‌توان با مقایسه و تطبیق سناریوهای مختلف، روش تجربی را نیز به آن افزود. استفاده از آمار و اطلاعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌های مورد نظر، طبقه‌بندی و تحلیل و تفسیر و ارائه راهکارهای اجرایی، این پژوهش را در رسیدن به اثبات فرضیه و پاسخگویی به سؤالات تحقیق یاری می‌کند.

تهدیدات امنیتی و اختلافات ارضی کشورهای خلیج فارس

کشورهای حوزه خلیج فارس برای رسیدن به یک تفاهم همه‌جانبه برای تأمین امنیت منطقه از مشکلات متعددی رنج می‌برند. عمده این مسائل عبارتند از:

- ۱- اختلافات ارضی و وجود عقبه حمایتی در کشورهای همسایه.
- ۲- اختلافات قومی، نژادی و سیاسی در داخل کشور برای کسب پایگاه اجتماعی و به دست گیری قدرت.
- ۳- رواج تبعیض برای توزیع ثروت و قدرت.
- ۴- اعتقادات مذهبی و اختلافات عقیدتی بین شیعه و سنی و ظهور گروههای تندروی مذهبی.
- ۵- نفوذ قدرتهای خارجی در طبقه حاکم بر جامعه و مشروعیت حاکمان.
- ۶- وجود ناسیونالیسم قومی و بحران هویت ملی.
- ۷- حمایت از گروههای مخالف در کشورهای همسایه و گسترش اقدامات مداخله جویانه.
- ۸- مسابقه تسلیحاتی در بین کشورهای منطقه و انعقاد پیمانهای نظامی با کشورهای خارج از منطقه.

۹- ناهمگونی های فرهنگی و اجتماعی ناشی از عدم تعادل و توازن در کسب درآمد های اقتصادی.

اختلافات ارضی بین کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله مهمترین مسائلی است که از اواخر نیمه اول قرن بیستم امنیت منطقه را تهدید می کند. وجود بیش از ۲۰ مورد اختلاف مرزی در بین ۱۰ کشور خلیج فارس و شبه جزیره عربستان، خطرات بالقوه ای را برای شروع بحران های دائمی و ناامنی نوید می دهد. البته میزان شدت و ضعف اختلافات موجود در بین کشورهای منطقه به یک اندازه نیست و عمدتاً بستگی به درجه اقتدار، سیاست دولت های حاکم و وضعیت داخلی آنها دارد. در جدول زیر مهمترین موارد اختلاف درج شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۲، صص ۸۹-۱۰).

اختلاف ارضی بین کشورهای حوزه خلیج فارس

نام کشور	اختلافات ارضی بین کشورهای خلیج فارس
ایران	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف با عراق بر سر رودخانه اروند رود تعیین نقطه مرزی با کویت اختلاف با امارات متحده عربی بر سر مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک.
عراق	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف با ایران بر سر رودخانه اروند رود اختلاف مرزی با کویت اختلاف با عربستان سعودی بر روی منطقه بی طرف
عربستان سعودی	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف با عراق بر سر منطقه بی طرف اختلاف با کویت بر سر مالکیت دو جزیره قروه و ام المرادیم اختلاف اراضی با عمان و قطر اختلاف اراضی با یمن
کویت	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف با عربستان سعودی بر سر مالکیت دو جزیره قروه و ام المرادیم اختلاف مرزی با عراق تعیین نقاط مرزی با ایران
امارات متحده عربی	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف با قطر بر سر خور الادید اختلاف با ایران بر سر مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک اختلاف با عمان بر سر مالکیت منطقه بریمی و برخی مناطق نفتی رأس الخیمه اختلاف بر سر تعیین حدود مرزی بین امارات و امیر نشین های تشکیل دهنده کشور
قطر	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف اراضی با عربستان سعودی اختلاف با امارات متحده عربی بر سر خور الادید
عمان	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف با امارات متحده عربی بر سر منطقه بریمی و برخی مناطق نفتی رأس الخیمه اختلاف اراضی با عربستان سعودی

منبع: جعفری ولدانی، ۱۳۷۲

تحلیل موضوع

امروزه خلیج فارس به عنوان مهمترین تأمین کننده نفت و گاز جهان نقش بی بدیلی در رفع نیاز کشورهای بزرگ صنعتی و کشورهای در حال توسعه دارد. این منطقه در سال ۲۰۰۶ میلادی ۲۸ درصد از نفت مورد نیاز جهان را تأمین کرد. بر طبق آمار موجود ۵۵ درصد از کل ذخایر نفتی جهان در این حوزه قرار دارد و روزانه ۱۶ درصد از نفت وارداتی کشورها از طریق تنگه هرمز عبور می کند که این عدد با فرا رسیدن سال ۲۰۳۰ میلادی به ۳۰ درصد در روز خواهد رسید. از سوی دیگر کشورهای منطقه علاوه بر در اختیار داشتن ذخایر نفتی، مقدار قابل توجهی از ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند. ایران بعد از روسیه که ۲۶/۳ درصد از ذخایر گازی را در تملک دارد، با در اختیار داشتن ۱۵/۵ درصد از ذخایر گازی جهان دومین کشور بزرگ دارنده گاز جهان محسوب می شود. در همین حال قطر با ۱۴

درصد، عربستان سعودی با ۳/۹ درصد و امارات متحده عربی با ۳/۳ درصد ذخایر قابل توجهی از گاز جهان را دارا هستند. براساس آمارهای موجود، روزانه ۳/۵ میلیارد فوت مکعب گاز از طریق تانکرهای مخصوص حمل NLG از تنگه هرمز به آسیا، اروپا و آمریکای شمالی صادر می‌شود (Henderson, 2007, p3-5).

وابستگی کشورهای وارد کننده به نفت خلیج فارس براساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در سال ۲۰۰۶ میلادی

وابستگی کشورهای واردکننده به نفت خلیج فارس

ردیف	کشور - منطقه	میلیون بشکه در روز	درصد وابستگی به نفت خلیج فارس
۱	اروپا	۶/۲	۵۶
۲	ایالات متحده آمریکا	۲/۶	۳۵
۳	ژاپن	۲/۴	۸۰
۴	چین	۱	۵۳

منبع: براساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۰۶

آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که در سال ۲۰۲۵ میلادی چین روزانه به ۶/۶ میلیون بشکه نفت برای تأمین بازار خود نیازمند است (Iea, 2008, pp22-35).

آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا (EIA) ^۲ اعلام کرده است که هم اکنون روزانه ۸۰ میلیون بشکه نفت نیاز مصرفی جهان است که ۲۴ میلیون بشکه آن از طریق کشورهای عضو اوپک به ویژه اعضای خاورمیانه تأمین می‌شود. این موسسه برآورد کرده است که در سال ۲۰۲۵، معادل ۴/۳۵ میلیون بشکه به نیاز جهان افزوده خواهد شد. این در شرایطی است که ذخایر قطعی نفت جهان ۷۲۸ میلیارد بشکه برآورد شده است که ۵۵ درصد از این ذخایر در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس است. هم‌اکنون ظرفیت تولید روزانه این کشورها ۲۵/۴ میلیون بشکه معادل ۳۳ درصد از کل ظرفیت تولید جهان در روز است. ۹۳ درصد از این مقدار نفت از طریق تنگه هرمز عبور می‌کند. (Iran economice.net).

علاوه بر وابستگی کشورهای بزرگ صنعتی به واردات نفت از کشورهای حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز، ضریب وابستگی کشورهای صادر کننده نفت به این تنگه بسیار شدیدتر است. جدول زیر این موضوع را به نقل از خبرگزاری «شانا» نشان می‌دهد (www.shana.ir).

ضریب وابستگی کشورهای صادر کننده نفت خلیج فارس از تنگه هرمز در ماه ژانویه ۲۰۰۸

ردیف	کشور	تولید روزانه (میلیون بشکه)	صادرات روزانه از تنگه هرمز (میلیون بشکه)	درصد وابستگی به تنگه هرمز
۱	عربستان	۹/۱۵۰	۸/۷	٪۷۵
۲	ایران	۳/۹۳۰	۲/۵	٪۱۰۰
۳	امارات	۲/۵۹۰	۲/۵	٪۱۰۰
۴	کویت	۲/۵۷۰	۲/۲	٪۱۰۰
۵	عراق	۲/۲۲۰	۱/۴	٪۷۷
۶	قطر	۷۵۰ هزار	۷۰۰ هزار بشکه	٪۱۰۰
۷	بحرین	۲۶۰	۲۰۰ هزار بشکه	٪۱۰۰

منبع: (www.shana.ir).

1- (IEA) : International Energy Agency

2- (EIA) : energy Information Administration

عربستان سعودی از طریق خط لوله ۷۴۵ مایلی «پرتولاین»^۱ روزانه حدود ۲/۵ میلیون شبکه نفت را از منطقه عقبه به ساحل دریای سرخ صادر می‌کند. همچنین کشور عراق از طریق خط لوله ۶۰۰ مایلی ترکیه-کرکوک، روزانه ۳۰۰ هزار شبکه نفت را به بندر جیحان ترکیه ارسال می‌نماید. خط لوله انتقال نفت عراق از طریق بندر بانیاس سوریه به کشور لبنان که با ظرفیت روزانه ۷۰۰ هزار بشکه تأسیس شده بود، از سال ۲۰۰۳ بدون استفاده مانده است

(Mardomsalari.com)

بر اساس گزارش نشریه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه^۱ در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی، درآمد کشورهای حوزه خلیج فارس در سال ۲۰۰۷ میلادی از محل صادرات نفت بشرح جدول زیر بوده است.

درآمد کشورهای حوزه خلیج فارس در سال ۲۰۰۷ میلادی از محل صادرات نفت

ردیف	کشور - منطقه	درآمد به میلیارد دلار	نرخ تورم سالانه
۱	عربستان سعودی	۲۳۰	۳
۲	امارات متحده عربی	۷۵	۹
۳	ایران	۶۳	۱۷
۴	کویت	۶۳	۵
۵	قطر	۴۱	۱۲
۶	عمان	۱۶	۴/۸
۷	بحرین	۱۱	۳/۵

منبع: نشریه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه، ۲۰۰۸

آمار فوق‌الذکر نشان می‌دهد که درآمد ارزی حاصل از فروش نفت ۷ کشور حوزه خلیج فارس بین ۳۰ تا ۹۰ درصد از درآمد ارزی این کشورها را شامل می‌شود و این درجه از وابستگی به درآمدهای نفتی بویژه برای کشورهای منطقه فاجعه بار است.

یافته‌های تحقیق

کشورهای حوزه خلیج فارس، متأسفانه تاکنون مصرف‌کننده امنیت، خصوصاً مصرف‌کننده اجباری نوعی امنیت طرح‌ریزی شده و تحمیل شده از خارج بوده‌اند. دید سراسر ابهام کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر در کنار بی‌اعتمادی شدید حاکم و دخالت‌های قدرت‌های بزرگ در گذشته و حال، هرگز به حاکمان این کشور اجازه نداده است تا بر سر میز تأمین امنیت همه‌جانبه منطقه بنشینند. هیچکدام از این کشورها نتوانسته است یک استراتژی اعتماد سازی بلند مدت را در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی به اجرا گذارد. در درون قلمروهای سیاسی-استراتژیک باید در جست و جوی «هسته متحد کننده» بود که این خود با توجه به اشتراک منافع که برای تمامی کشورها در بر دارد، می‌تواند منجر به طرح «اتحادیه‌های منطقه‌ای» گردد. در حال حاضر به نظر می‌رسد، این هسته متحدکننده، موضوع «امنیت» کشورهای منطقه باشد. اگر این کشورها بتوانند در جهت تأمین امنیت منطقه بوسیله نیروهای «خودی» تلاش کنند و از اتکاء به بیگانگان برای تأمین امنیت تبری جویند، قطعاً به قدرتی بزرگ تبدیل خواهند شد که همگرایی همه جانبه منطقه را بدنبال دارد.

1- Pertolin

^۱ - Economic Research Middle East .

امروزه مفهوم امنیت، صرفاً نظامی نیست، بلکه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی به خود گرفته است. امنیت مقوله پویاست که باید خود را مطابق شرایط زمانی وفق داده و قادر باشد با بحران‌های چند بعدی مقابله نمایند. هرگونه ائتلاف در بین کشورهای خلیج فارس به شرطی که همه آنها را شامل شود، می‌تواند زمینه همکاری و استفاده از فرصت‌ها را برای همه آنها در راستای امنیت پایدار منطقه فراهم کند.

بنابراین کشورهای خلیج فارس باید به‌سوی ایجاد یک ساختار امنیتی مناسب حرکت کنند تا قادر باشند با چالش‌های ریشه گرفته از تحولات نوین بین‌المللی مقابله کنند.

باتوجه به اینکه در قرن حاضر عمده تحولات جهانی ناشی از مسائل اقتصادی بوده و مناطق ژئوپولیتیک سنتی جای خود را به مناطق جدید ژئوآکونومیک داده اند، به نظر می‌رسد در این شرایط، منطقه خلیج فارس به دلیل دارا بودن موقعیت جغرافیایی ویژه و برتر ژئوپولیتیکی سنتی خود از سویی و در اختیار داشتن بخش عظیمی از منابع نفت و گاز مورد نیاز جهان از سوی دیگر، توانسته است موقعیت ژئوآکونومیکی (ژئوپولیتیک مدرن) را بر موقعیت ژئوپولیتیکی سنتی خود منطبق کند و همواره نقش مهمتری را در مقایسه با قرن گذشته در صحنه جهانی ایفا نماید. ایالات متحده آمریکا که زمانی از موقعیت اقتصادی و نظامی بالایی برخوردار بود، امروزه در مقام مقایسه با سایر رقبای خود (ژاپن و اروپای متحد) تا حد زیادی از سلطه اقتصادی اش کاسته شده است. این شرایط در وضعیتی است که طرفداران استراتژی هژمونی براین عقیده‌اند که برای ایجاد یک جهان باثبات، آمریکا می‌بایست از لحاظ اقتصادی تقویت شود تا بتواند سلطه خود را بر سیستم بین‌المللی اعمال کند.

کشورهای حوزه خلیج فارس باید بدانند که ایالات متحده در پی سلطه همه جانبه بر جهان است و لذا موضوع تأمین و دسترسی به منابع انرژی خلیج فارس در صدر استراتژی امنیت ملی این کشور قرار دارد. با توجه به اینکه انرژی در رقابت‌های اقتصادی حال و آینده جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و کشوری که بخواهد بر سیستم بین‌المللی حکومت کند بایستی قادر باشد بر منابع استراتژیک جهان نظارت و کنترل دائمی داشته باشد، در نتیجه به این نکته می‌رسیم که ایالات متحده به راحتی از خلیج فارس خارج نخواهد شد.

با پایان جنگ سرد، هسته ژئوپولیتیکی خلیج فارس به نفع هسته ژئوآکونومیکی آن رو به افول نهاد و با از هم پاشیدن شوروی سابق، قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا تا حدی قوی و انحصاری گردید. این عامل باعث شد تا آمریکا در موقعیتی قرار گیرد تا خواسته‌هایش را به منطقه دیکته و تحمیل نماید. بروز دو جنگ در خلیج فارس و حضور و دخالت گسترده نیروهای آمریکایی موجب محدودسازی قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و عراق و به‌حاشیه راندن رقبای بالقوه خارجی‌اش شد. ایالات متحده در راستای اهداف استراتژیک خود که همانا تأمین امنیت اسرائیل، پیشبرد سازش اعراب و اسرائیل، مهار کشورهای مخالف با آمریکا و جلوگیری از دستیابی آنها به سلاح‌های کشتار جمعی و کنترل رقبای اقتصادی خواهد بود، خطوط اجرایی ویژه‌ای را در خلیج فارس دنبال می‌کند که قطعاً با منافع و حاکمیت و استقلال اکثر کشورهای منطقه در تضاد خواهد بود. گرچه ایالات متحده بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق به یک قدرت بزرگ نظامی در جهان تبدیل شد، اما عملاً از نظر اقتصادی و رفاه اجتماعی در مقابل ژاپن و اروپای متحد دچار افول گردید. بر همین اساس آمریکا اکنون که داعیه رهبری جهان را دارد با مشکلات

اقتصادی-اجتماعی و سیاسی زیادی در سطح داخلی و بین‌المللی مواجه است. ایالات متحده برای کاهش این مشکلات تلاش دارد تا برای حل بحران‌های اقتصادی داخلی خود از موقعیت‌های موجود در خلیج فارس حداکثر بهره‌برداری را نماید. ایجاد بحران و دامن زدن به تعارضات و تشنجات در این منطقه سرلوحه برنامه‌های خاورمیانه‌ای این کشور قرار گرفته است. او تلاش دارد با نا امن جلوه دادن حوزه خلیج فارس کشورهای منطقه را وادار به مسابقه تسلیحاتی ناخواسته نموده، آن را استمرار و شدت بخشد. تا با فروش سلاح و تجهیزات نظامی و استفاده از عناوینی همچون بازسازی و مشارکت در صنایع و چاه‌های نفت، به غارت دلارهای ذخیره شده در کشورهای خلیج فارس تداوم بخشد. ایالات متحده با دامن زدن به بحران‌های منطقه‌ای تلاش دارد تا از همگرایی و یگانگی دولت‌های اسلامی جلوگیری نموده و در سایه ناامنی و بی‌ثباتی، به اختلافات محلی دامن زند و از این طریق استمرار حضور خود را توجیه کند.

در آینده، خلیج فارس ضرورتاً مرکز رقابت میان ایالات متحده آمریکا، اروپای متحد، چین، هند و ژاپن خواهد بود. نیاز و حساسیت اروپا و ژاپن به جریان صدور نفت از خلیج فارس و حوزه خزر به این معنی است که قدرت نظامی روزافزون ایالات متحده در منطقه، عدم امنیت اقتصادی آنها را افزایش خواهد داد. بر همین اساس بعید نیست که ایالات متحده برای صدور کالاهایش به بازارهای اروپا و ژاپن، دچار مشکل شود و از حربه نفت خلیج فارس برای مقاصد اقتصادی خود بر علیه آنها استفاده کند. قدرت گرفتن فرانسه و آلمان در اروپا و پی‌گیری تشکیل نیروهای نظامی واحد اروپایی و مخالفت شدید ایالات متحده با این تصمیم و تهدید آنها به انحلال و از هم پاشیده شدن ناتو و انتقال رکود و بحران‌های اقتصادی از ایالات متحده به اروپا از جمله تحرکاتی است که نوید به چالش افتادن موقعیت ایالات متحده در جهان و حوزه خلیج فارس را می‌دهد لذا مسلم است که آمریکا تلاش دارد در حوزه خلیج فارس بماند و از «منافع حیاتی» خود تحت عنوانین و تعابیر مختلف حمایت و حفاظت کند. در چنین موقعیتی کشورهای حوزه خلیج فارس، بویژه ایران و عربستان باید جایگاه استراتژیک و نقش ژئواکونومیکی خود را درک کنند و با همکاری و به مشارکت طلبیدن سایر کشورهای منطقه در پی ایجاد یک سیستم امنیتی و دفاعی مشترک برآیند.

اشتراک منافع ایران و اعراب خلیج فارس در نظام جدید جهانی ایجاب می‌کند که این کشورها در پی ایجاد همکاری به منظور دفاع از منافع خود باشند و از دنباله روی سیاست‌های ویرانگر بیگانگان اجتناب نمایند. سال‌ها جنگ و خشونت در منطقه درس‌های لازم را به ملت‌های خلیج فارس آموخته که کشورهای بزرگ و قدرتمند با سیاست‌های زودگذر و مصلحتی خود نه تنها در صدد قدرت یافتن کشور خاصی در خلیج فارس نیستند، بلکه حتی در فکر ایجاد امنیت واقعی در منطقه ثروتمند و نفت خیز خلیج فارس نمی‌باشند. ایالات متحده دریافته است که برقراری ثبات و امنیت در حوزه خلیج فارس به مصلحت منافع او و هم پیمانان غربی‌اش نبوده، زیرا که ایجاد امنیت و آرامش در منطقه، کشورهای خلیج فارس را از توسل جستن به یاری آنها بی‌نیاز می‌کند.

ایجاد یک طرح جامع امنیتی، با شرکت و اجماع و اتفاق نظر کلیه کشورها لازم و ضروریست. پذیرش مسئولیت منطقه‌ای برای تأمین از سوی کشورها و اتفاق نظر مبنی بر خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس و برقراری روابط

اعتمادآمیز بین دشمنان سابق قادر خواهد بود از بروز بحران‌های جدید جلوگیری کرده و خلیج فارس را به یکی از کانون‌های ترقی سریع اقتصادی در قرن ۲۱ تبدیل نماید (امامی، ۱۳۷۳، ص ۷۲).

قطعاً ایالات متحده تلاش دارد تا از هرگونه گفتگو، تفاهم و یا انعقاد قرارداد و پیمان‌های همکاری بین ج.ا.ایران و کشورهای منطقه جلوگیری کند و همچنین با برقراری هر نوع سیستم امنیتی «درون سیستمی» در خلیج فارس مخالفت نماید. کارشناسان سیاسی خاورمیانه‌های کاخ سفید بر اجرای این استراتژی که کلیه طرح‌های امنیتی بدون حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس بایستی با شکست مواجه شود و یا هیچگاه شروع نگردد، اصرار دارند. منافع ایالات متحده و اسرائیل ایجاب می‌کند تا ایران را به عنوان یک تهدید بالقوه به کشورهای منطقه و جهان معرفی نموده و به بزرگ‌نمایی تهدیدات فرضی بر علیه کشورهای همسایه بپردازند. اشاعه این تفکر که ایران هر موقعی که بخواهد می‌تواند تنگه هرمز را ببندد در همین راستا تعریف می‌شود.

باتوجه به موارد مطرح شده، رسیدن به یک امنیت همه‌جانبه در حوزه خلیج فارس با همکاری تمامی کشورهای منطقه، معقول، مناسب و قابل تحقق است. گرچه شاید در کوتاه مدت این امکان فراهم نشود که کشورها به یک امنیت جمعی و تفاهم مشترک برسند ولی آنچه که دارای اهمیت بوده و بستر لازم را برای اجرای این تفکر فراهم می‌سازد، آگاه‌سازی نسبت به تهدیدات، فرصت‌ها و منابع عظیم فرهنگی، اقتصادی و نیروی کارشناسی و آگاه‌سازی با عقاید مشترک است که می‌تواند آنها را به سوی بهترین راه کار و سناریو برای تأمین امنیت خلیج فارس رهنمون کند (رحیم پور، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷).

راه کارهای موجود جهت تأمین امنیت خلیج فارس

سایر کشورها	مصر	توریه	ترکیه	قطر	امارات متحده عربی	عمان	ایران	اسرائیل	ایالات متحده	کشورهای عضو	
										نوع پیمان امنیتی	شماره
				✓	✓	✓	✓	✓	✓	۱	شورای همکاری خلیج فارس (GCC)
			✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۲	پیمان ۱+۶ « الف »
			✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۳	پیمان ۱+۶ « ب »
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۴	پیمان ۲+۶ « الف »
			✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۵	پیمان ۲+۶ « ب »
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۶	پیمان ۲+۸
ترکیه و ایالات متحده			✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۷	پیمان ۳+۶
ایالات متحده و هند			✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	۸	پیمان آسیا - پاسفیک
❖										۹	پیمانهای دو و چند جانبه

منبع: نگارنده

❖ در کنار پیمان‌های امنیتی موجود، بایستی به سناریوهای دیگری از جمله پیمان‌های دوجانبه و چند جانبه در منطقه حوزه خلیج فارس اشاره کرد. این نوع پیمان‌ها معمولاً بین یک یا چند کشور منطقه با یک کشور خارج از منطقه منعقد می‌شود که از مهمترین آنها می‌توان به پیمان امنیتی کویت و ایالات متحده آمریکا، امارات متحده عربی با فرانسه، عربستان و بحرین با آمریکا و یا پیمان امنیتی پیشنهادی آمریکا به عراق در سال جاری (۲۰۰۸) و یا پیمانهای امنیتی احتمالی ایران با روسیه، هند و چین، اشاره کرد.

تحلیل راه کارهای امنیتی از منظر ثبات و پایداری

<p>۱- اختلافات شدید داخلی . ۲- ضعف نیروهای نظامی بویژه نیروی زمینی و موثر داخلی . ۳- مشکلات یکسان سازی نیروهای داخلی . ۴- ترس اعضای کوچکتر از سیاست های گسترش مرزی عربستان . ۵- اتکاء به نیروهای نظامی بیگانه . ۶- آسیب پذیری شدید در مقابل تهدیدات ایران و عراق . ۷- اتکاء شدید به درآمدهای نفتی</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>شورای همکاری خلیج فارس (GCC)</p>
<p>۱- برخورداری از توان بالای اقتصادی و مالی . ۲- امکان سرمایه گذاریهای مشترک فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی . ۳- اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی . ۴- تسلیات ترددی و حمل و نقل و دسترسی آسان به یکدیگر .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>(GCC)</p>
<p>۱- حذف ایران از معادلات منطقه ای . ۲- مشکلات شدید ارضی بین اعضاء . ۳- اختلاف بر سر رهبری منطقه بین عربستان و عراق . ۴- نگرش و ترس سایر اعضاء از اقدامات مداخله جویانه عربستان و عراق . ۵- مخالفت آمریکا با گسترش فعالیت اتحادیه و در خطر قرار گرفتن امنیت اسرائیل . ۶- نزدیکی سه کشور ایران، ترکیه و اسرائیل به یکدیگر و تشکیل مثلث ژئواستراتژیک خاورمیانه .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>(پیمان ۱ + ۲ «الف»)</p>
<p>۱- بالا رفتن توان نظامی و تجهیزات لجستیکی و بهبود نیروی نظامی . ۲- تهدید اسرائیل . ۳- تهدید منافع ایران . ۴- افزایش وسعت سرزمینی و عمق استراتژیک . ۵- افزایش جمعیت و تقویت ناسیونالیسم عربی . ۶- تسلط بر بیش از ۷۰ درصد منابع نفتی خلیج فارس و استفاده از نفت در معادلات سیاسی .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>(پیمان ۱ + ۲ «الف»)</p>
<p>۱- اختلاف بر سر رهبری منطقه بین ایران و عربستان . ۲- رقابتهای مذهبی و ایدئولوژیکی بین ایران و کشورهای منطقه . ۳- عواقب کنار گذاشتن عراق از این پیمان . ۴- اختلافات ارضی ایران و امارات متحده عربی . ۵- مخالفت ایالات متحده با گسترش فعالیت های این اتحادیه . ۶- وابستگی امنیتی و اقتصادی اعضای اتحادیه به ایالات متحده آمریکا . ۷- اختلاف ایران با ایالات متحده .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>(پیمان ۱ + ۲ «الف»)</p>
<p>۱- تأمین نسبی امنیت منطقه و عدم نیاز به حضور نیروهای بیگانه . ۲- افزایش توان مالی و اقتصادی و در اختیار داشتن بیش از ۵۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان . ۳- افزایش توان نظامی و نیروی انسانی . ۴- برخورداری از حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع وسعت خاک و بیش از یکصد میلیون نفر جمعیت . ۵- تهدید منافع ایالات متحده و اسرائیل . ۶- استفاده از ابزار نفت و گاز در پیشبرد اهداف استراتژیک و چانه زنی های دیپلماتیک .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>(پیمان ۱ + ۲ «الف»)</p>

<p>۱- اختلاف بر سر رهبری منطقه بین عربستان ، مصر و سوریه . ۲- بیگانه بودن مصر و سوریه در منطقه . ۳- وابستگی مصر و سوریه به حمایت‌های مالی و نفتی سایر کشورهای عضو . ۴- نابرابری منابع مالی ، نیروی انسانی و درآمدهای اقتصادی . ۵- مشکلات سیاسی و ارضی سوریه با اسرائیل و لبنان . ۶- شکل گیری اتحادیه ضد عربی اسرائیل ، ترکیه و آذربایجان . ۷- عواقب حذف ایران و عراق از این پیمان . ۸- عدم پیوستگی جغرافیایی .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>پیمان ۲ + ۳ «الف»</p>
<p>۱-تحقق ایده ناسیونالیسم و صلح عربی در منطقه . ۲-افزایش توان نظامی و نیروهای موثر زمینی . ۳-برخورداری از حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع وسعت خاک و بیش از یکصد میلیون نفر جمعیت. ۴-کاهش اختلافات ایدئولوژیکی و تقویت اسلام سنی در منطقه . ۵- کاهش وابستگی عربستان به صدور نفت از تنگه هرمز .</p>	<p>نقاط قوت</p>	
<p>۱- اختلافات ارضی و لاینحل اعضا با یکدیگر . ۲- اختلافات ایدئولوژیکی و مذهبی اسلام شیعی و اسلام سنی در منطقه . ۳- اختلاف رهبری بین عربستان ، ایران و عراق . ۴- مخالفت شدید ایالات متحده و اسرائیل با اتحادیه .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	
<p>۱-برقراری ثبات و امنیت پایدار در منطقه . ۲-مخالفت با حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس . ۳-حفاظت از منابع طبیعی خلیج فارس و جلوگیری از بروز حوادث زیست محیطی ۴-تشکیل پیمانهای اقتصادی منطقه ای و کمک به رونق اقتصادی و امنیت سرمایه گذاری . ۵-کاهش تهدیدات برون منطقه ای . ۶-برخورداری از توان بالای نظامی همه جانبه . ۷-افزایش توان بالای مالی ، فنی و تکنولوژیکی . ۸-تسلط بر بیش از ۶۰ درصد منابع نفت و گاز جهان و استفاده از این ابزار در چانه زنی های سیاسی . ۹-برخورداری از ۴/۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت خاک و بیش از ۱۱۵ میلیون نفر جمعیت . ۱۰- تهدید منافع ایالات متحده و اسرائیل و دفاع از حیات سیاسی فلسطین .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>پیمان ۲ + ۳ «ب»</p>
<p>۱- افزایش اختلاف دیدگاهها در رهبری منطقه . ۲- رقابت و برتری جویی بین قدرتهای اصلی جهان اسلام (مصر ، سوریه ، عراق ، عربستان و ایران) ۳- ناپیوستگی جغرافیایی ، نژادی ، زبانی و فرهنگی اعضا . ۴- نابرابری در میزان درآمد و ثروت و منابع انسانی . ۵- وابستگی خارجی و عدم مشروعیت سیاسی اعضا . ۶- اختلافات مذهبی و ایدئولوژیکی .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>پیمان ۲ + ۳ «ب»</p>
<p>۱- اتحاد قدرتهای بزرگ جهان اسلام . ۲- افزایش قدرت دفاعی و باز دارندگی کشورهای منطقه خاورمیانه . ۳- توسعه ارتباطات فرهنگی و اقتصادی . ۴- برخورداری از ۶۶ درصد ذخایر نفت و گاز جهان . ۵- در اختیار داشتن حدود ۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت و بیش از ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت . ۶- تهدید اسرائیل و افزایش قدرت دفاع از مردم منطقه بویژه مردم فلسطین .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>پیمان ۲ + ۳ «ب»</p>

<p>۱-سلطه ایالات متحده و ناتو بر منابع نفت و گاز منطقه . ۲-اختلافات بر سر منافع و دیدگاهها در بین اعضاء . ۳-رهبری ایالات متحده و عدم توجه به منافع و مصالح سایر اعضاء . ۴-تسلط و فرماندهی بر نیروی نظامی سایر کشورها . ۵-اختلافات قومی ، نژادی و مذهبی . ۶-تقابل ایدئولوژی مدرن و سنتی و تقابل مذهب با لائیک . ۷-حذف ایران از پیمان منطقه ای . ۸-تضمین منافع اسرائیل . ۹-توسعه ناامنی در خلیج فارس . ۱۰-تقابل منافع ایالات متحده با سایر قدرتهای بزرگ جهان .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>(پیمان ۲ + ۳)</p>
<p>۱-توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری در بین کشورهای منطقه . ۲-تأمین امنیت عراق و اسرائیل . ۳-کاهش اختلافات عراق با ترکیه . ۴-تأمین منابع نفت و گاز مورد نیاز ترکیه . ۵-کاهش وابستگی کشورهای صادر کننده نفت به تنگه هرمز از طریق توسعه خطوط انتقال نفت و گاز از طریق ترکیه . ۶-تضمین نفت و گاز مورد نیاز دنیای غرب و ایالات متحده . ۷-در تنگنا و منزوی کردن ایران . ۸-برخورداری از توان نظامی بسیار بالا . ۹-برخورداری از نیروی انسانی متخصص ، وسعت خاک و جمعیت بالا .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>(پیمان ۲ + ۳)</p>
<p>۱-سلطه ایالات متحده بر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند . ۲-بروز اختلافات بر سر رهبری منطقه بین عربستان و هند . ۳-نابرابری در منابع مالی و قدرت سرمایه گذاری . ۴-نابیندگی جغرافیایی ، نژادی و زبانی . ۵-بروز اختلافات مذهبی در تدوین و اجرای برنامه های فرهنگی و اقتصادی . ۶-مخالفت روسیه و چین با اجرا و تحقیق این پیمان . ۷-تشدید اختلافات اعضاء با ایران بر سر منافع منطقه ای و حاکمیتی در حوزه خلیج فارس .</p>	<p>نقاط ضعف</p>	<p>(پیمان آسیا - پاستور)</p>
<p>۱-برخورداری از توان بالای نظامی و هسته ای . ۲-برخورداری از توان بالای مالی و تکنولوژیکی . ۳-برخورداری از وسعت خاک و جمعیت و عقبه نظامی و پشتیبانی . ۴-افزایش قدرت سرمایه گذاری در حوزه های اقتصادی بویژه نفت و گاز . ۵-فشار روز افزون بر ایران برای تأمین امنیت اسرائیل . ۶-سلطه آمریکا بر بازار نفت و گاز منطقه و فشار بر مصرف کنندگان عمده نفتی جهان . ۷-حضور دائمی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند .</p>	<p>نقاط قوت</p>	<p>(پیمان آسیا - پاستور)</p>

منبع: نگارنده

با توجه به مزایا و معایب هر یک از این هشت سناریو پیشنهادی جهت برقراری امنیت و ثبات در حوزه خلیج فارس و تأمین منافع ملی مورد نظر کشورهای منطقه ، بنظر می رسد شکل گیری و اجرای پیمان ۲ + ۶ «ب» از دیگر راه کارها مناسبتر ، کم هزینه تر و معقول تر باشد. ایجاد اتحادیه ای با مشارکت همه کشورهای منطقه ، بدون دخالت دادن نیروهای بیگانه، گام مهمی در جهت حفظ منافع، حیثیت و اقتدار و حاکمیت کشورهای حوزه خلیج فارس است. آنجا که منافع و حیات ملی کشورهای منطقه در گرو حفظ امنیت خلیج فارس است، تمامی کشورهای عضو پیمان تلاش خواهند کرد، مطابق توان خود مسئولیت پذیر بوده و در راستای تحقق آرمانهای امنیتی و ثبات منطقه ای

مشارکت جدی داشته باشند. گرچه در حال حاضر، کشور عراق در پذیرفته شدن درچنین اتحادیه‌ای با موانع و مشکلاتی مواجه است اما با روند کنونی تشنج‌زدایی و نزدیکی کشورهای منطقه، بویژه شورای همکاری خلیج فارس به ایران و گردن نهادن عراق به اجرای مصوبات شورای امنیت سازمان ملل، در سال‌های آتی می‌توان با مشارکت دادن این کشور در اتحادیه‌ای منطقه‌ای، پیمان مذکور را کامل نمود و زمینه‌های اجرای آن را فراهم کرد. گسترش فعالیت‌های اقتصادی و زیست محیطی در همین چارچوب می‌تواند تضمین‌کننده ثبات و آرامش دائمی در حوزه خلیج فارس باشد.

زمینه‌های همکاری بین هشت کشور حوزه خلیج فارس

یکی از حساس‌ترین و حادث‌ترین مشکلات منطقه خلیج فارس عدم اعتماد جمعی و نبود فضای کامل از اعتماد متقابل است که باید قبل از ایجاد هر نوع معادله همکاری دسته جمعی به آن دست یافت، چرا که اقدامات اعتماد ساز، در فضایی که گوناگونی تفکرات، مانع اساسی بر سر راه همکاری و همگرایی ایجاد کرده، می‌تواند به عنوان اولین گام، راه را برای صعود به مراحل بعدی عملی سازد. کشورهای منطقه برای دستیابی به یک فرمول اصولی و قابل اعتماد منطقه‌ای، به راه حلی دست نخواهند یافت مگر اینکه روابط دوستانه و همکاری متقابل خود را با یکدیگر استحکام بخشند (ابراهیم فر، ۱۳۷۷، ص ۵۷).

این همکاریها با توجه به مشکل مطرح شده می‌تواند از سطوح جزئی تری شروع شود تا در کوتاه مدت، نتایج آن ملموس باشد، محور اصلی این همکاریها در درجه اول می‌تواند بهره برداری از تواناییهای بالقوه و بالفعل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی و در صورت ضرورت، نظامی باشد. کشورهای منطقه در بخشهای اقتصادی و زیست محیطی بیشترین مانور را می‌توانند در جهت افزایش همکاریهای منطقه‌ای داشته باشند. غالب کشورهای منطقه از نظر اقتصادی تک محصولی بوده و به نوعی به وابستگی غیر متوازن دچار هستند. برای کاهش این وابستگی خطرناک می‌توان از مبادلات کوچک اقتصادی شروع کرد و پس از عبور از مرحله جلب اعتماد، به همکاریهای بزرگتر اقتصادی مبادرت ورزید (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۴۰).

در جدول زیر به مهمترین زمینه‌های همکاری منطقه‌ای که می‌تواند منجر به تأمین امنیت خلیج فارس و گسترش تفاهمات منطقه‌ای گردد، می‌پردازیم:

زمینه های همکاری منطقه ای بین کشورهای حوزه خلیج فارس

محور همکاری	نوع فعالیت
اقتصادی	۱- نفت و گاز (اکتشاف ، تولید و استخراج ، صادرات و قیمت گذاری) ۲- حمل و نقل و ترانزیت ۳- بازار مشترک ۴- ایجاد مناطق آزاد و سرمایه گذاری مشترک ۵- توسعه تبادلات گردشگری و اجرای تورهای تلفیقی و مشترک ۶- احداث تأسیسات گردشگری با سرمایه گذاری مشترک ۷- فعالیتهای کشاورزی ۸- تأمین نیروی کار متخصص و خدماتی ۹- طرحهای آبرسانی و تأمین آب ۱۰- ساخت مخازن و سدهای ذخیره آب ۱۱- فعالیتهای ساختمانی ۱۲- ارتباطات و مواصلات ۱۳- تولیدات مشترک (تقسیم کار) ۱۴- صندوق مالی و اعتباری مشترک
زیست محیطی	۱- بهره برداری از منابع موجود در خلیج فارس . ۲- حفاظت از آبزیان و آبراهها ۳- شکایات و پرورش آبزیان ۴- کاهش آلاینده ها ۵- تهیه تجهیزات و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز ۶- کنترل و نظارت بر فعالیت شرکتهای مختلف داخلی و خارجی
فرهنگی	۱- اتخاذ استراتژیهای جمعی برای جلوگیری از نفوذ و تهاجم فرهنگی غرب ۲- تقویت تولید اقلام و محصولات فرهنگی مشترک ۳- تبادل اطلاعات همه جانبه ۴- ساخت تأسیسات و مجتمع های فرهنگی و ورزشی ۵- مبادلات دانشگاهی (استاد و دانشجو) ۶- همکاریهای علمی و فنی ۷- سرمایه گذاری و تهیه برنامه های صوتی و تصویری و ارتباطات ماهواره ای . ۸- انجام کاوشها و تحقیقات باستان شناسی مشترک
سیاسی	۱- حمایت از یکدیگر در مجامع بین المللی ۲- توسعه رایزنیاها و مشورتهای سیاسی ۳- استفاده از امکانات موجود سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان عدم تعهد ۴- تسهیل قوانین و مقررات ۵- همکاریهای قضایی و مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر ۶- حمایت از آرمان فلسطین ۷- حل مشکلات و ادعاهای ارضی
نظامی	۱- ساخت تجهیزات نظامی و انتظامی ۲- خریدهای دسته جمعی به منظور افزایش قدرت چانه زنی . ۳- ایجاد پایگاههای مشترک دفاعی ۴- ارائه آموزشهای مشترک نظامی و اعطای بورسیه ۵- تشکیل نیروهای دفاعی و امنیتی مشترک ۶- انعقاد پیمانهای نظامی و امنیتی دو یا چند جانبه ۷- انجام مانورهای مشترک نظامی ۸- تشکیل نیروهای پایدار صلح منطقه ای

منبع: نگارنده

نتیجه گیری

قطعاً جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشوری در حوزه خلیج فارس به دنبال برقراری ثبات، امنیت و کمک به آرامش منطقه ای است. منافع ایران زمانی تأمین می گردد که این کشور بتواند بدون هر گونه تنش و عملیات ماجراجویانه ای اقدام به صادرات نفت و گاز خود از طریق خلیج فارس و دریای عمان و واردات اقلام مورد نیاز بازار داخلی خود کند. تحقیقاً ایران بیش از هر کشور دیگری در منطقه نیازمند امنیت در حوزه خلیج فارس و تأمین نیازهای خود از طریق این آبراه بزرگ دریایی جهان است. پس تأکید بر این حرف که ایران منافع خود را در ایجاد ناامنی در خلیج فارس می داند غیر قابل توجیه است. بر همین اساس مسئولان سیاسی و اقتصادی کشور بارها اعلام نموده اند که هر گونه اقدام نسبت به ایجاد ساختار و اجرای سیستم های امنیتی در خلیج فارس بایستی با مشارکت تمامی کشورهای کرانه این پهنه آبی و بدون دخالت و حضور نیروهای خارجی در منطقه صورت پذیرد.

آنچه مسلم است هر گونه پیمان امنیتی بدون مشارکت همه کشورهای هم مرز با حوضه خلیج فارس خود عاملی برای تحریک آن کشور در جهت ناامنی خواهد بود.

ایران با در اختیار داشتن بیش از نیمی از کرانه های خلیج فارس و حاکمیت و کنترل بر حساس ترین نقاط استراتژیک این دریا، بدون شک قدرت بلامنازع منطقه است. دارا بودن بیشترین جمعیت، بیشترین منابع معدنی و طبیعی، دسترسی آسان به خطوط ارتباط ترانزیت دریایی، زمینی و عقبه پشتیبانی درون مرزی از دیگر شاخص های برتری جایگاه ژئوپولیتیکی این کشور است. کنار گذاشتن ایران از نظام امنیتی منطقه ای و حذف آن از پیمانها و سناریوهای مطروحه نه تنها عملی نخواهد شد بلکه منجر به هدر رفتن منابع مالی و انسانی کلیه کشورهای حوضه خلیج فارس، افزایش بودجه های نظامی و تسلیحاتی، ایجاد ناامنی روحی و روانی و بی اعتمادی مردم ساکن در واحدهای سیاسی نسبت به حاکمان و دیگر همسایگان خواهد شد. تخریب و آلودگی های زیست محیطی از دیگر عواقب بروز هرگونه ناامنی در این منطقه است.

گرچه وابستگی جمهوری اسلامی ایران به خلیج فارس و دریای عمان بر کسی پوشیده نیست اما برقراری امنیت برای کشورهای نیمه جنوبی خلیج فارس در کنار وابستگی شدید آنها به صادرات تک محصولی نفت و سوختهای فسیلی، بسیار با اهمیت تر است. حاکم کردن شرایط بحرانی همراه با تهدیدات دائمی خارجی برای این کشورها از سوی قدرتهای بیگانه باعث افزایش هزینه های زندگی سیاسی آنان شده و پدیده امنیت کاذب را برای کشورهای عربی منطقه خلق می کند که بروز این وضعیت نمی تواند به پایداری صلح و ثبات در خلیج فارس و تأمین امنیت و تضمین صادرات نفت بی خطر به جهان، کمک کند.

با توجه به شرایط ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس و مشترکات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در میان کشورهای منطقه، به نظر می رسد، بهترین تشکیلات برای برقراری امنیت و حفظ ثبات و آرامش جهانی، سیستمی است که همه کشورهای کرانه ای این دریا را بدون حضور نیروهای غیر منطقه ای در بر گیرد.

منابع

- امامی ، محمد علی(۱۳۷۷).مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران .
- حافظ نیا ، محمدرضا(۱۳۷۱).خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز.تهران: سمت،
- جعفری ولدانی ، اصغر و کاشانی ، نیلوفر(۱۳۷۲).مجموعه مقالات سومین سمینار خلیج فارس.تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه،
- گراهام فولر(۱۳۷۳).ترجمه عباس مخبر ، قبله عالم. تهران: نشر مرکز،
- رحیم پور ، علی(۱۳۷۹).بررسی جغرافیای استراتژیک ایران با تأکید بر تحولات قرن بیست و یکم ، دانشنامه دکتری، تهران .
- روشندل ، جلیل(۱۳۷۴).مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس. تهران:دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه،
- عزتی ، عزت الله.(۱۳۸۰).ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم. تهران:سمت،
- عزتی ، عزت الله(۱۳۷۹).ماهنامه دیدگاهها و تحلیل ها ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، تهران .
- مجتهدزاده ، پیروز(۱۳۷۹).ایده های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی. تهران:نشر نی،
- نابو آسایی(۱۳۷۴).خلاصه مقالات کنفرانس بین المللی خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه،
- روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۹/۵/۱۳ و ۱۳۶۹/۶/۱۳
- روزنامه اطلاعات ۱۳۶۴/۸/۲۰
- روزنامه رسالت ۶۸/۹/۲
- گروه پژوهش شانا ، (۱۳۸۷) ، مقاله نقش خلیج فارس و خاورمیانه در صادرات انرژی ، سایت عسلویه .
- Sean Rooney (2006) , Did the United Kingdom Adequately prepare for phase IV Stability Operations In Southern Iraq ? , Boston University
- Simon Henderson (2007) , war for oil , independent policy : Washington .
- Iea (2008) world Energy Outlook 2008 , International Energy Agency , Paris , France .
- www.farsnews.com/printable.php?nn=8704250680
- www.Chatham house . org . uk
- www.Rusi .org (Royal United Service Institute)
- www.iran economic .net
- www.nafttimes.com